

دلالت‌های صحیفه سجّادیه بر مسئله کمیت جمعیت و دیدگاه مستنبط از آن‌ها



محمدجواد سقای بیریا^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2023.28203.1020](https://doi.org/10.22084/DUA.2023.28203.1020)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

چکیده

جمعیت و مسائل مرتبط با آن، از دیرباز مورد بحث و بررسی دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. منابع معارف اسلامی که یکی از آن‌ها «صحیفه سجّادیه» است، نیز در این باره فرازها و دلالت‌هایی درخور توجه دارند. شیوة این پژوهش، اسنادی موردی، عمدتاً ناظر به صحیفه سجّادیه است و روش داوری آن، اجتهادی - تفسیری و شاخص مورد تمرکز عبارت است از: تعداد فرزندان. هدف از این پژوهش، بررسی دلالت‌های صحیفه سجّادیه بر مسئله کمیت جمعیت و کشف دیدگاه امام سجّاد علیه‌السلام در این باره است. اهم نتایج این پژوهش، عبارتند از: فرزندخواهی فراوان، سپاسگزاری از خداوند به خاطر اعطای فرزندان فراوان، طلب وسعت روزی در پیری و درخواست محرومیت دشمنان از توان فرزندآوری. فرازهای مستقیم صحیفه بر مطلوبیت فرزندآوری فراوان هستند. درحالی‌که، دلالت ادبی جمع «وُلد» و «اولاد»، راز کم‌شمار بودن فرزندان برخی از مسلمانان، جهت‌دهی الهی به گرایش‌ها و رفتارها، همراه ساختن علم با عمل، فرمان‌برداری به اعضا و جوارح برخی از دلالت‌های جمعیتی غیرمستقیم در صحیفه بر این مطلوبیت هستند. برخی دیگر از این دلالت‌ها عبارتند از: استفاده از فرصت‌ها، به کمال رساندن هر فضیلت، درخواست برترین تقدیرها، نعمت‌های بالاتر و فراوان شدن مرزبانان. نتیجه مطالعه و بررسی این فرازها - خصوصاً با انضمام سیره فرزندآوری اهل بیت علیهم‌السلام - آن است که از منظر امام سجّاد علیه‌السلام، فرزندآوری فراوان مسلمانان در حد توان خانواده‌ها، مطلوب اسلام است؛ یعنی، مطلوب است هر خانواده به هر مقدار که می‌تواند فرزندان بیشتری بیاورد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، فرزندخواهی، فرزندآوری، دلالت‌های جمعیتی، صحیفه سجّادیه، امام سجّاد.

۱. مقدمه

افزایش جمعیت در امت اسلامی، مورد سفارش مؤکد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک ایشان علیهم السلام بوده است. از این رو در روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، بسیار مسلمانان را به فرزندآوری دستور داده و هدف از آن را، فخر خویش بر دیگر امت‌ها در روز قیامت معرفی فرموده است: «أَكْبَرُوا الْوَلَدَ أَكْبَرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۳۲۸). می‌توان گفت که قطعاً فرزندآوری فراوان در جامعه اسلامی، برای آن حضرت صلی الله علیه و آله مطلوب بوده که چنین ادبیاتی راجع به آن به کار برده است. در روایت صحیح دیگری از امام کاظم علیه السلام^۲ به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمده است: «لَلْمَوْلُودُ مِنْ أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (ابن بابویه صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵/۳)؛ هر فرزند از امت من نزد من محبوب‌تر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد.

از طرفی، افزایش جمعیت مسلمانان، به لحاظ منافع اجتماعی فراوانی که دارد از اهمیت اجتماعی والایی برخوردار است. در این جا فهرست وار به برخی از این منافع اشاره می‌کنیم: ۱. افزایش عزت و شکست‌ناپذیری مسلمانان، ۲. حمایت بیشتر از سال‌خوردگان جامعه، ۳. نشر بهتر و بیشتر دانش‌های مفید و معارف اسلامی، ۴. تسهیل امر به معروف و نهی از منکر، ۵. گسترش و زمینه‌سازی غلبه فرهنگ اجتماعی، ۶. فراهم آمدن نیروی کار بیشتر، ۷. کسب قدرت اجتماعی بیشتر، ۸. تأمین نیروهای کارآمد سیاسی بیشتر، ۹. زمینه‌سازی مقبولیت سیاسی بیشتر، ۱۰. تأمین نیروی نظامی و انتظامی بیشتر و ۱۰. تقویت ضریب پیروزی در جنگ جمعیتی (ر.ک: سقای بی‌ریا، ۱۴۰۱، فصل پنجم).

در دانش «جمعیت‌شناسی»^۳ نیز مسائل مرتبط با جمعیت از جمله میزان و کمیت جمعیت، به دلیل تأثیرات شگرفشان در تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - امنیتی جوامع، سالیانی است که ذهن دانشمندان علوم مختلف را به خود مشغول ساخته است. با این حال، تاکنون در این باره به لحاظ نظری،

۱- سند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۲- سند: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ يَشَاهِدُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَثُورٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ».

3. Demography.

اجماعی به وجود نیامده است و حاصل بحث‌های علمی فراوان، رویکردهای مختلفی از قبیل افزایش^۱، کاهش^۲، ثبات^۳ و تناسب جمعیت^۴ شده است.

توضیح آن که، آنچه در دانش جمعیت‌شناسی در باره دیدگاه ادیان توحیدی مطرح و مشهور است، آن است که [با توجه به ارزش انسان و روزی‌رسانی خداوند] «افزایش جمعیت» انسان مورد ترغیب است (ر.ک: تمنا، ۲۱۷: ۱۳۹۱؛ موحدیان، ۲: ۱۳۹۵). اما در برابر این نظر، برخی دیگر از جمله توماس مالتوس^۵ با استناد به فقرزایی افزایش جمعیت و یا پدیدایی بحران غذایی در صورت ادامه روند افزایش جمعیت، حامی کاهش آن گشتند (ر.ک: کتابی، ۱۳۷۷: ۱۴۷؛ شیخی، ۹۴: ۱۳۷۳). برخی دیگر، طرف‌دار رویکرد «ثبات جمعیت» شده، معتقد هستند که نباید در روند افزایش یا کاهش جمعیت دخالت کرد، بلکه جمعیت خودبه‌خود تنظیم می‌شود (ر.ک: کتابی، ۱۳۷۷: ۳۲۳). در نهایت، رویکرد «تناسب جمعیت» بر آن است که میزان جمعیت باید بر اساس میزان امکانات، افزایش یا کاهش یابد (کلاتری، بی‌تا: ۱۰۱). حال که رویکردهای جمعیتی، گوناگون و متضاد هستند و عقلاً امکان ندارد که همه آن‌ها صحیح باشند، فراز ۲۱ دعای بیست و یکم توجه انسان را به خود جلب می‌کند که در آن امام سجاد علیه‌السلام عرضه می‌دارد:

وَ وَقَفَنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاها،... وَ إِذَا تَنَاقَصَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاها (علی بن -

الحسین، ۱۳۹۸: ۱۴۴)؛ چون امور بر من پوشیده و مشکل شود، مرا به درست‌ترین امر... و چون مذاهب به ناسازگاری افتند، مرا به بهترین و پسندیده مذهب موفق بدار (نیز ر.ک: فراز هشتم دعای بیست و دوم).

اکنون، باید دید دلالت‌های جمعیتی صحیفه به کدام سمت و سو تمایل دارند که همان پسندیده‌ترین رویکرد جمعیتی است. بنابراین، این پرسش رخ می‌نماید که از میان این چهار رویکرد کلان، کدام‌یک را می‌توان به اسلام نسبت داد. به نظر می‌رسد که تنها راه راستی‌آزمایی این نسبت، مراجعه به متون اصیل اسلامی است که یکی از آن‌ها صحیفه سجادیه است.

1. Population increase.
2. Population decrease.
3. Stability of population.
4. Proportionality of population.
5. Thomas Robert Malthus.

شیوه مطالعه این پژوهش، اسنادی موردی، عمدتاً با مراجعه به صحیفه سجادیه و روش حل مسئله در آن، اجتهادی - تفسیری و با تمرکز بر شاخص تعداد فرزندان است. برخی فرازهای صحیفه سجادیه - هرچند کم‌شمارتر هستند - به‌طور آشکار، بر مسائل جمعیتی دلالت دارند که مقصود اصلی این پژوهش هستند. در صورت لزوم، آن‌ها را مرجع برای شرح و توضیح دلالت‌های غیرمستقیم دیگر فرازا قرار خواهیم داد.

با توجه به فقر موجود در پیشینه مسئله پژوهش، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن هستند که فرازهایی چون درخواست فرزندان بسیار از خداوند، سیاسگزاری از خداوند برای اعطای فرزندان فراوان، درخواست وسیع‌ترین روزی در ایام پیری و درخواست ناتوان‌سازی دشمنان بر فرزندآوری، دلالتی آشکار بر مطلوبیت افزایش جمعیت مسلمانان دارند. با این حال، فرازهای دیگری که از طریق عموم یا ملازمه بر این مسئله دلالت دارند، در سه دسته فرازهای شناختی، گرایشی و رفتاری خلاصه می‌شوند که سخن از آن‌ها را به جای خود موکول می‌سازیم. مجموع این فرازا، ما را به این نتیجه نزدیک می‌سازد که گرچه بیشتر ادله در منابع اسلامی به فرزندآوری فراوان به‌نحو مطلق میل دارند، اما با تأمل در سیره فرزندآوری اهل بیت علیهم‌السلام و انضمام آن به دیگر مستندات، نتیجه می‌گیریم که فرزندآوری فراوان در حد توان مطلوب اسلام است.

هدف از انجام این پژوهش، آن است که با مروری کامل و دقیق بر صحیفه سجادیه، دلالت‌های جمعیتی آشکار یا غیرآشکار آن را گردآوری کنیم، آن‌ها را شرح دهیم و در نهایت، به استخراج دیدگاه جمعیتی مستنبط از آن‌ها پردازیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با جست‌وجوی صورت گرفته، روشن شد که هیچ‌یک از آثار مرتبط با صحیفه سجادیه به بررسی مستقل، کامل و دقیق دلالت‌های جمعیتی آن پرداخته‌اند.

به‌عنوان مثال، در «نشست علمی دلالت‌های فرهنگی سیاسی صحیفه سجادیه» از این موضوع مهم غفلت شده است (ر.ک: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰، گزارش: مشروح نشست علمی دلالت‌های فرهنگی سیاسی صحیفه سجادیه»، خبرگزاری رسا، 562201 | news | fa | rasanews.ir).

هم‌چنین در میان پژوهش‌های علمی منتشر شده با محوریت صحیفه سجادیه، هیچ پژوهشی این مسئله را مورد بررسی قرار نداده است (ر.ک: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، www.ensani.ir).

در جمع‌بندی پیشینه، باید گفت آثاری که این کتاب شریف را منبع خود قرار داده‌اند یا به این مسئله پرداخته‌اند یا اگر بدان پرداخته‌اند، به‌طور مستقل و کامل آن را بررسی نکرده‌اند.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش، با توجه به چند نکته آشکار می‌گردد: ۱. مسئله کمیت جمعیت به دلیل نقش اساسی آن در رقم زدن تحولات جامعه دارای اهمیت ذاتی است؛ ۲. پاسخ‌گویی به این مسئله، به‌ویژه در جامعه علمی اسلامی، از طریق منابع دینی اهمیت ویژه دارد؛ ۳. فقدان پژوهش‌های مستقل و کامل در این زمینه با محوریت صحیفه سجادیه، ضرورت این پژوهش را دو چندان و موجه می‌سازد.

۲. فرازهای با دلالت مستقیم

۲-۱. طلب فرزندان فراوان از خداوند

به‌عنوان مقدمه، باید گفت از آن‌جا که مخاطب مناجات‌های امام سجاد علیه‌السلام در سرتاسر صحیفه، خداوند است، بنابراین روی سخن ایشان در همه درخواست‌ها از جمله فرزندآوری، ذات لایزال الهی است؛ چراکه، تنها اوست که پروردگار کریم و صاحب‌نعمت است. به تصریح قرآن، تدبیر امر فرزندآوری انسان، همچون سایر حوزه‌های زندگی او، تنها در اختیار خداوند است و بس. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید:

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرَ، أَوْ يُرْوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنثًا وَ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيْمًا إِنَّهُ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ (شوری: ۴۹-۵۰)؛ مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست. هر چه را بخواهد می‌آفریند. به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد، پسر یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیراکه، او دانا و قادر است.

درخواست ذیل را می‌توان آشکارترین فراز جمعیتی صحیفه سجادیه دانست:

در فراز چهارم از دعای بیست و پنجم در بیانی که شبیه به نص در فرزندخواهی فراوان است، آمده است: «اللَّهُمَّ... كَثِّرْ بِهِم عَدَدِي» (علی بن الحسین، ۱۷۸: ۱۳۹۸)، خدایا! به فرزندانم... بر شمارم، بیفز. اما به‌راستی، مقصود از افزوده شدن به شمار یک فرد از طریق فرزندآوری چیست؟ باید گفت که حقیقتاً پس از فرزنددار شدن، تغییری در تعداد و شمار فرد ایجاد نمی‌شود. شاید به همین خاطر، برخی

شارحان صحیفه، برای «عَدَدِي» مضاف در تقدیر گرفته‌اند و مقصود را فزونی «اهل» و «خویشان» دانسته‌اند (ر.ک: کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۰۵/۴؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

اما به نظر می‌رسد که با توجه به این که در ادبیات عرب، تقدیر گرفتن خلاف اصل و قاعده است، می‌توان این جمله را بدون تقدیر هم معنا کرد. توضیح آن که، چون گویی وجود والدین در فرزندان تکثیر می‌شود، امام سجاد علیه‌السلام فرزندان فراوان را مایه کثرت یافتن خویش دانسته است. از آن‌جا این جمله را شبیه به نص در فرزندآوری فراوان می‌دانیم که آن را کنایه‌ای از درخواست فرزندان فراوان از خداوند به حساب می‌آوریم، چون بنابر منابع ادبی در کنایه، لفظی بیان می‌شود و از آن معنای دیگری اراده می‌شود؛ ولی در عین حال، می‌توان معنای اصلی را نیز از آن اراده کرد (ر.ک: هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۸۳). بنابراین، معنای این جمله چنین است که خداوند! فرزندانم را بیفز. شاهد این معنا، فراز دوم دعای دوم است که تکثیر مسلمانان را بدون واسطه «عدد» و مانند آن، مستقیماً به خود آنان نسبت داده است: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... كَثَرْنَا بِمَنْهٖ عَلَيَّ مِنْ قَلِّ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۳۸)؛ ستایش برای خدایی است که... ما را... به احسان خویش بر آنان که اندک‌شمار بودند، فزونی بخشید.

در این فراز که مشتمل بر فرزندخواهی فراوان است، سیر برداشت از جانب دعاکننده آغاز می‌شود؛ چراکه، درخواست کننده این دعا فردی معصوم و جانشین پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و به همین دلیل از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید (ر.ک: نجم: ۳) و از این رو، قطعاً از خداوند حاجتی ناشیسته و نامطلوب درخواست نمی‌کند. بنابراین، معلوم می‌شود که فرزندخواهی فراوان از خداوند برای یک فرد مسلمان و مؤمن مطلوب و پسندیده است.

۲-۲. ستایش خداوند برای اعطای فرزندان فراوان

مضمون دیگری که - با تفاوت اندکی نسبت به نمونه پیشین - می‌توان آن را نیز از مضامین آشکار جمعیتی صحیفه به شمار آورد، ستایش خداوند بر کثرت جمعیت مسلمانان نسبت به جمعیت‌های کم‌شمار دیگر است. پس از آن که خداوند منت نهاد و شمار مسلمانان را نسبت به پیروان دیگر ادیان افزایش داد، اکنون نوبت آن است که انسان با توجه به این حقیقت ارزشمند، خدا را ستایش کند. به همین جهت، در فراز دوم دعای دوم چنین آمده است: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... كَثَرْنَا بِمَنْهٖ عَلَيَّ مِنْ قَلِّ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۳۸)؛ ستایش برای خدایی است که... ما را... به احسان خویش بر آنان که اندک‌شمار بودند، فزونی بخشید.

ضمیر متکلم مع الغیر «نا» در «کَثْرًا» به قرینه سیاق، ظاهراً به مسلمانان باز می‌گردد. «حمد» به معنای ستایش کردن شخص ممدوح بر رفتار زیبایی است که با اختیار از او سر زده باشد (ر.ک: تهانوی، ۱۹۹۶م: ۷۱۲/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۹/۱). آن‌گونه که در استناد به آیه‌های ۴۹ و ۵۰ سوره شوری گذشت، خداوند در مورد ایجاد انسان‌ها که - جز در مورد آدم و حوا علیهماالسلام - از طریق سنت فرزندآوری تحقق می‌یابد، دارای مشیت مطلق است. بنابراین، اولاً و بالذات اوست که در این باره استحقاق حمد و ستایش دارد. امام سجاد علیه‌السلام در این فراز از این زاویه نگاه، خداوند را به خاطر منت نهادن بر مسلمانان و کثرت دادن به آنان در برابر دیگران ستایش می‌کند. بنابراین، فرزندآوری مسلمانان که رفتار زیبایی خداوند (یعنی بدون اکراه و اجبار خارجی) است، مطلوب اوست. پس، فرزندآوری اهل اسلام از جانب خالق نیز پسندیده است.

برخی شارحان صحیفه، برای این کثرت تنها دو معنا احتمال داده‌اند: ۱. پایداری دین اسلام تا پایان دنیا، برخلاف سایر ادیان؛ ۲. برتری و ارجمندی مسلمانان بر دیگران (ر.ک: فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸: ۴۵). به نظر می‌رسد که احتمال سومی که ایشان ذکر نکرده‌اند، با عبارت دعا (کَثْرًا) سازگارتر است. این‌که تعداد مسلمانان بر پیروان سایر ادیان فزونی یافته باشد که یکی از مهم‌ترین راه‌های آن فرزندآوری است. شاهد این ادعا آن است که بقای دین اسلام تا پایان دنیا یا برتری یافتن مسلمانان بر پیروان دیگر ادیان، خود لازمه کثرت جمعیت مسلمانان است. اثبات مطلوبیت این حالت برای مسلمانان، بدین صورت است که حمد به فعل زیبا و اختیاری خداوند تعلق می‌گیرد. پس، فزونی یافتن جمعیت مسلمانان در هر زمانی مطلوب و پسندیده است.

این‌که آیا در زمان امام سجاد علیه‌السلام نسبت بین جمعیت مسلمانان و شمار پیروان سایر ادیان به نفع مسلمانان بوده است که ایشان خداوند را چنین ستایش می‌کند یا نه، فرقی در بحث ما ندارد؛ چراکه حتی اگر، چنین چیزی در آن زمان واقع نشده باشد، متن دعا باز صادق است. در دعا آمده است: «كَثْرًا بِمَنْهُ عَلَيَّ مَنْ قَلَّ»؛ یعنی ما را بر کسانی که جمعیت کمی داشتند، فزونی بخشید. بنابراین، اگر مثلاً صابئیان یا زرتشتیان جمعیتی کمتر از مسلمانان داشته‌اند، جمعیت مسلمانان بر شمار آنان پیشی گرفته است و هم‌چنین بوده‌اند پیروان دیگر ادیانی که جمعیت کمتری داشتند. این خود یک نعمت و سزاوار ستایش خداوند است. اما اگر فرضاً دینی بوده است که پیروان بیشتری نسبت به مسلمانان داشته است، این جمله دعا نسبت به آن ساکت است.

۳-۲. درخواست وسیع‌ترین روزی در ایام پیری

یکی دیگر از فرازهای صحیفه که نسبتاً از دلالت خوبی بر مسئله کمیت جمعیت برخوردار است و تا آن‌جا که می‌دانیم در آثار جمعیتی مورد غفلت بوده‌است، فراز ۱۱ دعای بیستم است که در آن آمده است: «وَجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ» (علی بن الحسین، ۱۳۸: ۱۳۹۸)؛ و چون پیر شوم، فراخ‌ترین روزیت را... برایم قرار ده.

در این‌جا دو سؤال اساسی مطرح است. نخست: آن‌که چرا امام سجاد علیه‌السلام بر زمان پیری تأکید می‌کند. پرسش دیگر این‌که، چرا فراخ‌ترین روزی را در این زمان طلب می‌کند. در پاسخ به پرسش اول، ممکن است تصور شود که این درخواست بدان جهت است که انسان در زمان پیری به خاطر ضعف عارض بر او در این ایام، نمی‌تواند خوب به کسب‌وکار بپردازد و نیازهایش را تأمین کند؛ اما، گویا ملاک در این‌جا تنها ضعف و پیری نیست.

به نظر می‌رسد که بین تعداد فرزندان و این درخواست امام سجاد علیه‌السلام ارتباط معناداری وجود دارد؛ یعنی از آن‌جا که فرزندآوری فراوان هم مطلوب خداوند است و هم مطلوب بندگان خداوند، طبیعتاً - جز در موارد خاص و استثنایی - مطلوب است که مسلمانان صاحب فرزندان فراوان باشند. اگر آنان به این مطلوبیت عمل کرده باشند، در ایام پیری فرزندان بلاواسطه و با واسطه فراوانی خواهند داشت و نیازهای خود و فرزندان فراوانشان آنان را احاطه خواهد کرد. بنابراین، شمار زیادی بر سر سفره پدر و مادر (که اکنون به سن پیری رسیده‌اند)، هستند. پس، نیاز پدر و مادر در پیری از این جهت هم بیشتر است. گرچه فرزندان باید در امرار معاش خویش مستقل باشند و خود را وابسته پدر و مادر نسازند، باین‌حال، آنان حتی با داشتن این سبک زندگی، هم‌چنان با کاستی‌هایی در مراحل مختلف زندگی روبه‌رو می‌شوند که یا باید با کمک پدر و مادر آن‌ها را رفع کنند و یا به دیگران مراجعه کنند. امام سجاد علیه‌السلام در فرار نخست دعای بیست و پنجم راه نخست را از خداوند مسئلت کرده، عرضه می‌دارد: «وَأَدِّرْ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي أَرْزَأَهُمْ» (همان: ۱۷۶)؛ و روزیشان [= فرزندانم] را به دست من فراوان و پیوسته گردان.

ظاهر این کلام که دارای اطلاق زمانی است و شامل تمام مراحل عمر فرزندان می‌شود، آن است که روزی فرزندان در مواردی که نیاز دارند، بر دست پدر جاری شود که البته این سخن منافات با استقلال فرزندان در امرار معاش ندارد. اما در برابر این احتمال که مقصود از فرزندان، فرزندان صغیر هستند و امام سجاد علیه‌السلام از خداوند روزی فراوان آنان را درخواست نموده است. باید گفت اولاً، این درخواست

برای دوران پیری است که نوع مردم به طور طبیعی در آن سالیان فرزندان صغیر فراوان ندارند؛ ثانیاً، اطلاق زمانی یا احوالی مطرح شده، مانع از این برداشت است و شامل همه مراحل عمر فرزندان می‌شود؛ ثالثاً، اگر اطلاق را هم مخدوش بدانیم، لفظ «وُلدِی» بر همه فرزندان صدق می‌کند چه کوچک باشند و چه بزرگ.

۴-۲. درخواست محرومیت دشمنان اسلام از نیروی فرزندآوری

چهارمین فقرة جمعیتی صحیفه سجادیه که دلالتی نسبتاً آشکار دارد، فراز چهارم از دعای بیست و هفتم است که در آن زین‌العابدین علیه‌السلام به پیشگاه الهی عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِّكَ عَدُوَّهُمْ... وَ انْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ» (همان: ۱۸۸)، خداوند! بدین وسیله، دشمنان‌شان را در هم شکن... و از شمارشان بکاه.

جمله اخیر به روشنی بر درخواست کاسته شدن از جمعیت دشمنان اسلام دلالت دارد که نیازمند کمی توضیح است که گفته خواهد شد. کمی جلوتر، در فراز ششم از همین دعا، حضرت چنین عرضه می‌دارد و در واقع، به سبب کاهش جمعیت دشمن، اشاره می‌فرماید و آن را از خداوند درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَ بَيِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ» (همان)؛ خدایا! زهدان زنان‌شان را نازا کن و آبِ پشتِ مردان‌شان را بخشکان.

اما به راستی، سر این درخواست امام سجاد علیه‌السلام از خداوند با آن همه رأفت امام و خداوند نسبت به آفریدگان الهی در چه چیزی نهفته است؟ آیا - العیاذ بالله - این نوعی خودخواهی یا حسادت نیست؟ اگر شمار فرزندان و جمعیت دشمنان اسلام زیاد باشد، چه مشکلی پیش می‌آید؟ به نظر می‌رسد که در رویارویی اسلام و کفر، جمعیت حرفی برای گفتن دارد. شمار هر طرف که بیشتر باشد، به طور طبیعی، سربازان میدان نبرد آن طرف پرشمارتر، پشتیبانی از جبهه‌های آن قوی‌تر و در کل، قدرت اجتماعی آن جامعه بیشتر خواهد بود.

در واقع، این یک جنگ جمعیتی است که صفوف سربازان آن را شمار و جمعیت هر طرف را شکل می‌دهد. بنا بر برخی منابع، این شیوه و روش نوین جنگ در دنیاست (ر.ک: پورعیسی چافجیری، ۱۳۹۵: ۷۸). اما آیا ما نسبت به این شیوه جنگی وظیفه‌ای داریم؟

امام سجاد علیه‌السلام در بارة هدایت‌گری قرآن کریم عرضه می‌دارد: «وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سُلْمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ وَ سَبَبًا نُجْرَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۲۷۰)؛ و قرآن را

برای ما... نردبانی قرار ده که از آن به جایگاه سلامت بالا رویم و سببی که با آن در عرصه قیامت به رستگاری رسیم.

از طرفی، قرآن کریم در بیانی عام که شامل فرزندآوری نیز می‌شود، می‌فرماید: □ وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ □ (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید. این آیه به اطلاق خود شامل آماده‌سازی نیرو برای انواع جنگ‌ها - اعم از جنگ جمعیتی - می‌شود. بنابراین از مسلمانان به نحو مطلوبیت خواسته شده است تا برای این نوع از جنگ نیز از پیش آمادگی کسب کنند. شکی نیست که آمادگی برای جنگ جمعیتی، به فرزندآوری مسلمانان و تدبیر در کاستن از شمار دشمن است. امام علیه‌السلام در فراز دهم از دعای بیست و هفتم عرضه می‌دارند: «اللَّهُمَّ... خُذْهُمْ بِالْتَّقْصِ عَنِ تَقْصِيهِمْ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۹۲)؛ خدایا! از شمارشان [مشرکان] بکاه تا [از شمار مسلمانان] نگاهند. معلوم می‌شود در این جنگ هر که شمار بیشتر دارد، به‌طور طبیعی، دست برتر را دارد و از شمار طرف مقابل خواهد کاست.

جمعیت، علت ناقصه پیروزی

البته، نباید از این نکته غفلت کرد که تمام مطلب در جمعیت نیست؛ چراکه به تصریح قرآن کریم در شرایط خاص روحی (صبور بودن) ممکن است عده‌ای اندک بر شماری فزون غلبه یابند (ر.ک: بقره: ۲۴۹)؛ یا برعکس، در شرایط روحی دیگر (مغرور بودن)، مسلمانان حتی با برخورداری از نیروی فراوان شکست بخورند (ر.ک: توبه: ۲۵). اما حتی در همان شرایطی که شمار اندک مؤمنان بر انبوه دشمنان پیروز شده‌اند، سخن از آن است که خداوند جمعیت دشمنان را در چشم آنان اندک جلوه می‌داد:

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَيْتَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَيْتُمْ وَ كُنْتُمْ فِي الْأَمْرِ (انفال: ۴۳)؛

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد و اگر فراوان نشان می‌داد،

مسلمانان سست می‌شدید و (در باره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می‌کشید.

امام سجاد علیه‌السلام نیز در دعای بیست و هفتم عرضه می‌دارد: «إِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّةَ فَقَلَّلَهُمْ

فِي عَيْنِهِ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۹۴)؛ هرگاه با دشمن تو و دشمن خود مواجه شود، آنان را در چشمش

[مجاهد مسلمان] بکاه. معلوم می‌شود که کثرت جمعیت دشمن به صورت طبیعی در دل سربازان طرف

مقابل ایجاد رعد و وحشت می‌کند؛ خصوصاً با توجه به اینکه «فَشَلَّ» در لغت به معنای ترس از دشمن،

ضعف و از بین رفتن نیروی انسان آمده است (ر.ک: اذهری، ۱۴۲۱ق: ۲۵۲/۱۱) که در اثر فزونی دشمن پدید می‌آیند.

۳. فرازهای با دلالت غیر مستقیم

آنچه گذشت، فرازهای صحیفه سجادیه در ارتباط با کمیت جمعیت بود که دلالتی روشن داشتند. اکنون به بررسی فرازهایی از صحیفه سجادیه می‌پردازیم که دلالت آنها بر مسئله کمیت جمعیت و فرزندآوری به وضوح موارد پیشین نیست. مقصود از این فرازها، آنهایی هستند که عمدتاً با بیانی عام یا بالملازمه به لزوم کاربست رویکرد اسلامی در باره این مسئله می‌پردازند. مقدمه مشترک در همه این موارد، مطلوبیت فرزندآوری فراوان برای مسلمانان است. این موارد به شرح ذیل هستند:

۱.۳. دلالت‌های مربوط به شناخت

۱.۳.۱. دلالت ادبی جمع «وُلد» و «أولاد»

در دعاهای صحیفه سجادیه برای اشاره به مفهوم «فرزندان» از دو جمع مکسر «وُلد» و «أولاد» استفاده

شده است. محض نمونه، در فراز نخست دعای بیست و پنجم آمده است: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۷۶)؛ خداوند! به باقی گذاردن فرزندانم و سامان دادنشان به نفع من و کامیاب نمودن من از ایشان، بر من مَنّت گذار.

امام سجاد علیه‌السلام در فراز دهم از دعای هفدهم، در امان ماندن گروه‌هایی را از شرّ شیطان از خداوند درخواست کرده که یکی از آنها فرزندان است؛ این بار از جمع «أولاد» استفاده شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ ذَوِي أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي جَزْرِ حَارِزٍ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۲۴)؛
 و پدران و مادران و فرزندان و خاندان و خویشان و نزدیکان و همسایگان ما، مردان و زنان مؤمنان، همه را از گزند او در جایگاهی استوار... حفظ بفرما.

آنچه پیرامون معنای وزن‌های مختلف جمع مکسر در ادبیات عرب مطرح است، آن است که برخی از آنها بر معنای قَلت دلالت دارند و برخی دیگر بر معنای کثرت. مراد از اوزان قَلت، اوزانی هستند که بر تعداد سه تا ده و مراد از اوزان کثرت، اوزانی هستند که بر تعداد سه تا بی‌نهایت دلالت دارند (ر.ک: مدنی، بی‌تا: ۱۲۰). ادیبان عرب جمع بر وزن «افعال» را جمع قَلت دانسته‌اند و «فُعَل» را جمع کثرت

(ر.ک: سیوطی، بی تا: ۳/ ۲۲۷ و ۲۲۹). بنابراین، اگر قرینه‌ای بر خلاف نباشد، «أولاد» بر تعداد از سه تا ده فرزند دلالت دارد و «وُلد» بر تعداد از سه به بالا. از این دلالت ادبی می‌توان استفاده کرد که فرزندآوری فراوان مدنظر امام سجاد علیه‌السلام بوده است؛ چراکه ده فرزند هم عرفاً و به‌طور نسبی، فراوان محسوب می‌شوند. زین‌العابدین علیه‌السلام بنا بر نقل شیخ مفید، خود ۱۵ فرزند داشت (ر.ک: مفید، ۲: ۱۴۱۳/۱۵۵).

ممکن است بگویید که چرا حد بالای دلالت دو جمع را در نظر می‌گیرید: با این که حد پایین هر دو جمع، سه فرزند است. پس چه لزومی دارد که بیش از سه فرزند داشته باشیم؟ باید گفت که گرچه این سخن فی‌نفسه درست است، ولی گفته شد که امام سجاد علیه‌السلام از خداوند درخواست فرزندان فراوان می‌کند و جایی که ده فرزند یا بیشتر امکان داشته باشد، به سه فرزند عرفاً و به‌طور نسبی، فرزندان فراوان اطلاق نمی‌شود. بنابراین به قرینه آن کلام روشن امام سجاد علیه‌السلام، معنای این دو جمع نیز بر حداقل آن‌ها حمل نمی‌شود.

در قرآن کریم نیز برای اشاره به فرزندان، بیشتر از واژه «بنین» استفاده شده است (محض نمونه، ر.ک: نحل: ۷۲؛ اسراء: ۶؛ مؤمنون: ۵۵) که آن نیز جمع کثرت است (ر.ک: سیوطی، بی تا: ۳/ ۲۳۰) و از این استعمال نیز - به همراه قرینه یادشده - می‌توان مطلوبیت فرزندآوری فراوان را استفاده کرد.

۳-۲. راز کم‌شمار بودن فرزندان برخی از مسلمانان

اگر مسلمانی از خداوند فرزندان فراوان طلب می‌کند یا کافر را نفرین می‌کند که خداوند فرزندان فراوان به او ندهد، پس چگونه است که گاه مسلمانان - در عین فرزندخواهی فراوان - فرزندان اندک دارند و کافران فرزندان پرشمار؟ امام زین‌العابدین علیه‌السلام در فراز سوم دعای هجدهم پاسخ این مسئله را داده است. آن‌جا که می‌فرماید: «فَعَيَّرَ كَثِيرٍ مَا عَاقَبْتُهُ الْفَنَاءَ وَ غَيْرَ قَلِيلٍ مَا عَاقَبْتُهُ الْبِقَاءَ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۲۶). آنچه فرجامش نابودی بسیار و آنچه سرانجامش جاودانگی است، کم‌شمار نباشد.

در این جمله کوتاه، امام سجاد علیه‌السلام کثیری را که عاقبتش نابودی و از بین رفتن باشد، مستحق متصف شدن به وصف «کثیر» نمی‌داند و قلیلی را که باقی بماند، مستحق متصف شدن به وصف «قلیل» نمی‌داند. معنای این جمله، آن است که کثیری که از بین می‌رود، کثیر نیست و قلیلی که می‌ماند، قلیل نیست (ر.ک: کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۳/ ۲۲۶).

قرآن کریم در مورد فرزندان باایمان مؤمنان، وعده داده است که آنان را در بهشت به والدینشان ملحق خواهیم ساخت (ر.ک: طور: ۲۱). بنابراین با انضمام این آیه و فراز مزبور صحیفه، چنین نتیجه می‌گیریم

که از آن‌جا که فرزندان هرچند اندک مؤمنان برای ابد با والدین خود در بهشت به سر می‌برند، آنان قلیل به شمار نمی‌آیند و فرزندان فراوان کفار چون محتوم به نابودی‌اند، هرچند فراوان باشند، کم به حساب می‌آیند.

۲-۲. دلالت‌های مربوط به گرایش

۱-۲-۳. جهت‌دهی الهی به گرایش‌ها و رفتارها

گفتیم که فرزندآوری فراوان برای مسلمانان مورد رضایت خداوند است و مطلوب بندگان او؛ چراکه مقتضی آن است که با به وجود آمدن انسان‌های مسلمان و مؤمن، خداوند در روی زمین بیشتر پرستش شود. اکنون و در فراز ذیل، امام سجاد علیه‌السلام از خداوند چنین تقاضا می‌کند:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا نَقُوتَنَا حَسَنَةً نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۷۸)؛ خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان کن که اندیشه و گرایش دل‌هایمان... وسیله دریافت ثوابت باشد. تا هیچ خیری که بدون مستحق پاداش شویم، از دست ما نرود.

نتیجه آن‌که، فرزندآوری فراوان برای مسلمانان عملی شایسته و حسنه است که نباید در صورت وجود شرایط و توان آن، از آن غفلت نمود. از طرفی، فرزندآوری فراوان برای والدین مسلمان منافع و سودهای دنیایی و آخرتی بسیاری دارد که آن را برای آنان مورد رغبت می‌سازد (ر.ک: سقای بی‌ریا، ۱۴۰۱، فصل چهارم).

فراز ۱۱ دعای بیست و یکم نیز شبیه به فراز پیشین است. این فراز چنین است: «وَهَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرَضَاتِكَ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۵۴)؛ و مرا نیرویی ببخش که بار خشنودیات را [در تمام امور] به دوش کشم. در فراز ۲۲ دعای سی و یکم آمده است: «اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ» (همان: ۲۱۴)؛ خداوند! من از هر چه با خواسته‌ات راست نیاید... به درگاهت توبه می‌کنم (نیز ر.ک: فراز پنجم دعای سی و سوم و فراز ۹۴ دعای چهل و هفتم).

یکی از موارد خشنودی خداوند، آن است که انسان‌ها در روی زمین تکثیر شوند و افراد بیشتری به عبادت او پردازند. البته، اگر همه مردم زمین کافر شوند، به خداوند هیچ ضرری نمی‌رسد و اگر همه آنان مؤمن باشند، به او هیچ نفعی نمی‌رسد؛ چراکه او بی‌نیاز مطلق است (ر.ک: ابراهیم: ۸)، بلکه نفع و ضرر این کارها به خود انسان باز می‌گردد (ر.ک: فصلت: ۴۶).

۲-۳. الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم السلام

یکی از راه‌های مطمئن برای سعادت در امور مختلف، تمسک به سیره بندگان معصوم خداوند خصوصاً، اهل بیت علیهم السلام است. از آن جهت، این عنوان را ذیل مباحث گرایش آورده‌ایم که الگودهی به انسان گرچه نوعی شناخت را نیز در بردارد، ولی به او میل و گرایش می‌دهد که شبیه به فرد مورد نظر شود.

وقتی به کتب تاریخی معتبر مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که امامان معصوم غالباً فرزندان فراوانی داشته‌اند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خدیجه کبری سلام‌الله‌علیها شش فرزند داشته‌اند (ر.ک: حمیری، ۱۴۱۳ق: ۹). برخی تاریخ‌نگاران نیز تعداد فرزندان ائمه از امیرالمؤمنین علی تا امام حسن عسکری علیهم السلام را از یک تا ۳۷ فرزند ذکر کرده‌اند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱ و ۲). میانگین تعداد فرزندان اهل بیت علیهم السلام حدود ۱۲ فرزند است که عدد بالایی است.

امام سجاد علیه‌السلام در فراز ۱۳۰ دعای چهل و هفتم عرضه می‌دارد: «وَ اسْتَعْمِلِنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۳۷۰)؛ و مرا به طاعتی وادار که بندگان خالصت را وامی‌داری. در مورد فرزندآوری، می‌توان گفت که سیره اهل بیت علیهم السلام بر فرزندآوری فراوان در حد استطاعت بوده است. به همین جهت، امیرالمؤمنین علی و امام کاظم علیهما السلام به ترتیب ۲۷ و ۳۷ فرزند داشته‌اند و امام رضا و امام عسکری علیهما السلام که دارای شرایط خاصی بوده، تنها یک فرزند داشته‌اند.

صرف نظر از سیره عملی اهل بیت علیهم السلام در فرزندآوری، ادله دیگر دینی از جمله غالب فرازهای ادعیه صحیفه به تکثیر نسل تمایل دارند. اما با در کنار هم گذاردن این ادله با فرازی که به سیره ائمه علیهم السلام اشاره دارد و در نظر گرفتن سیره، معلوم می‌شود که والدین مسلمان به کثرت فرزندان در حد استطاعت و توان توصیه شده‌اند. این همان مفهومی است که در روایت مکالمه یوسف علیه‌السلام با برادرش نیز به کار رفته است. حاصل آن که، هر خانواده باید در حد توان خویش به سمت کثرت اولاد پیش رود. حال ممکن است خانواده‌ای با توجه به شرایط خویش سه فرزند داشته باشد، دیگری پنج فرزند، دیگری ده فرزند و همین‌طور بیشتر.

البته، باید توجه داشت که اگر خانواده‌ای بنابر شرایط خاص زندگی خود نتواند بیش از یک فرزند داشته باشد، از آن‌جا که همان یک فرزند می‌تواند تا ابد برای او بماند، آن یک فرزند کم و قلیل به حساب نمی‌آید.

۲-۴. دلالت‌های مربوط به رفتار

۱-۲-۴. همراه ساختن علم و عمل

یکی از توصیه‌های اکید منابع دینی، همراه ساختن علم و عمل است. قرآن کریم کسانی را که سخنی می‌گویند، ولی خود بدان عمل نمی‌کنند، نکوهش کرده است (ر.ک: صف: ۲). امام سجاد علیه‌السلام در فراز ۲۸ دعای بیستم عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارزُقْنِي ... عِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِهِ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۴۶)؛ خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا... دانش با عمل روزی کن.

حال که به ارشاد امام سجاد علیه‌السلام مسلمانان دانسته‌اند که فرزندآوری فراوان نزد خداوند محبوب و مطلوب است، آنان باید این علم خود را با عمل گره بزنند و بدان اقدام کنند. در غیر این صورت، همین علم آنان نزد خداوند حجت و گواه علیه آنان خواهد بود؛ چراکه «كُلُّ عِلْمٍ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عَمِلَ بِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۵)؛ هر علمی حجت [علیه انسان] است، مگر آنچه بدان عمل کرده باشد.

۲-۲-۴. فرمان برداری به اعضا و جوارح

امام سجاد علیه‌السلام در فراز نخست دعای یازدهم عرضه می‌دارد: «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اشْغَلْ ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۸۲)، بر محمد و خاندانش درود فرست... و به اطاعت خود، اندامان را از هر اطاعت دیگر [جز اطاعت خود] روی بگردان.

اطاعت خداوند به انجام کارهایی است که مورد رضای اوست که یکی از آنها - آن گونه که گذشت - تکثیر نسل مسلمانان است که مقتضی آن است که خداوند در زمین بیشتر عبادت شود. امام سجاد علیه‌السلام در اشاره به این مطلب به درگاه الهی عرضه می‌دارد: «وَأَمْتُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى» (همان: ۱۵۴)؛ با اشتیاقی پر شور به وصال و به جای آوردن آنچه دوست می‌داری و می‌پسندی، بر من منت گذار.

۳-۲-۴. استفاده از فرصت‌ها

هر فرزند از آن جهت که موجب معنادهی به زندگی و زمینه‌سازی برای عبادت بیشتر خداوند می‌گردد، مایه تقرب بیشتر والدین به خداست. البته، میان مفسران ذیل آیه ۳۷ سبأ، در این باره که آیا فرزندآوری به خودی خود موجب قرب است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۱۵/۸)، یا آن که این کار از آن جهت که موجب هدایت فرزند یا انجام دیگر کارهای خیر در حق او، موجب قرب است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۵۸۶/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۸۶/۱۶). به‌هرحال، هرکدام از دو دیدگاه که صحیح باشد، نباید فرصت فرزندآوری را از کف داد. امام سجاد علیه‌السلام در فراز ۳۰ دعای بیستم می‌فرماید: «وَ اسْتَعْمِلْنِي

بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمَهَلَّةِ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۴۶)؛ و به اطاعت در روزهای فرصت وادار. گذشت که فرزندآوری فراوان برای مسلمانان مطلوب خداوند است و انجام آن از جمله اطاعت‌هاست. هم‌چنین، امام سجاد علیه‌السلام در فراز هفتم از دعای نهم این‌گونه با خداوند رازونیز می‌کند:

اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهْجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ تَوَابِكَ حَتَّى لَا نُفُوتَا حَسَنَةً نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَ لَا نَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ (همان: ۷۸)؛ خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان کن که اندیشه و گرایش دل‌ها، جنبش اندام‌ها، نهان‌نگری چشم‌ها، زبان‌گفته‌ها، وسیله دریافت ثواب باشد تا هیچ خیری که بدان مستحق پاداش شویم، از دست ما نرود و هیچ زشتی که بدان عقوبت ببینیم با ما نماند.

این بیان عام، شامل فرزندآوری نیز می‌گردد؛ چراکه، فرزندآوری فراوان مطلوب خداوند است و بدان ثواب تعلق می‌گیرد. پس مادامی که فرد به لحاظ جسمی توان و استطاعت بر فرزندآوری دارد و این عمل با دیگر وظایف مهم‌تر او (فردی یا اجتماعی) مزاحمتی ندارد، مطلوب است که به این کار اقدام کند. قید اخیر را از کلمه «حسنه» استفاده کرده‌ایم؛ چون در صورت تراحم فرزندآوری با تکالیف مهم‌تر، آن تکالیف بر فرزندآوری مقدم می‌شوند و دیگر نمی‌توان فرزندآوری را «حسنه» دانست.

۴-۲-۴. به کمال رساندن هر فضیلت

انسان موجودی کمال‌خواه است و دوست دارد کمالات او بیشتر و کامل‌تر گردند. از این رو، امام سجاد علیه‌السلام در فراز ششم از دعای بیستم چنین عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا... وَ لَا أَكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَّمْتَهَا (همان: ۱۳۴)؛ خدایا! هر خوی مرا که بر من عیب گیرند، اصلاح کن... و هر فضیلت را که در من ناقص است، به کمال رسان.

بی‌فرزندگی و کم‌فرزندگی از نگاه عرف عام و نزد متشرعه قطعاً، برای انسان یک نقص است. از این رو، انسان به‌طور فطری - حتی اگر متدین به دین الهی نباشد - در صورتی که ذهنش به افکار منحرف برخی مکاتب فکری آلوده نشده باشد، در صدد فرزندآوری بر می‌آید و حتی اگر مشکلی در این راه باشد، در رفع آن تلاش می‌کند. شاهد این مدعا، زوج‌های فراوانی هستند - که فارغ از دین و مذهب - برای درمان ناباروری خود اقدام کرده، در این راه هزینه‌های گزافی متحمل می‌شوند.

بنابراین، انسان مسلمان باید در صدد باشد تا با فرزندآوری فراوان این نقص را در خود برطرف سازد و با توجه به فضیلت بودن این خصلت، آن را در خود کامل تر نماید. اما، این که چه میزان باید فرزندآوری کرد، مسئله‌ای دیگر است که آیات قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام آن را مشخص نموده‌اند. قرآن کریم می-فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰). بنا بر برخی تفاسیر که به دلیل اطلاق کلمه «قوة» صحیح به نظر می‌رسند، این واژه شامل هر نوع نیرویی، اعم از نیروی جمعیتی جوان نیز می‌شود. برخی از مفسران در ذیل این آیه نگاشته‌اند:

کلمه «قوه» چه کمة کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود؛ اعم از نیروهای مادی و معنوی... .

بنابراین، علاوه بر این که باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان - به‌عنوان يك وظیفه قطعی اسلامی - بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه و نیروی مهم‌تری است، پرداخت.

از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی که آن‌ها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد، نیز نباید غفلت کرد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۲/۷).

حال که آیه مزبور شامل نیروی جمعیتی نیز می‌شود، مطلوبیت فرزندآوری تا آنجاست که والدین استطاعت و توان آن را دارند؛ البته، استطاعت معنا و مؤلفه‌هایی دارد که در این مختصر مجال پرداختن به آن‌ها نیست (برای اطلاع از معنای استطاعت و مؤلفه‌های آن، ر.ک: سقای بی‌ریا، ۱۴۰۱: ۵۴-۶۲).

امام سجاد علیه‌السلام در فراز دیگری به پیشی گرفتن به سوی فضیلت اشاره فرموده است: آن‌جا که می‌فرماید: «وَأَلْسِنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي... السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۳۶)، و مرا... به جامه پرهیزگاران پوشان در... سبقت جستن به فضیلت‌ها. آن‌گونه که گذشت یکی از فضایل که مطلوب خداوند و بندگان اوست، فرزندآوری فراوان است. بنابراین، سبقت گرفتن به این عمل نیز مطلوب و مرغوب است.

اما سبقت گرفتن به این فضیلت، به دو گونه قابل تصور است: نخست آن که، انسان به لحاظ زمانی زودتر از دیگران فرزندان شود و دیگری آن که تعداد فرزندان انسان نسبت به دیگران بیشتر باشد. می‌توان گفت که این فراز بر هر دو نوع سبقت دلالت دارد. البته، سبقت نوع اول طبیعتاً مستلزم سبقت نوع دوم است؛ چراکه وقتی انسان زودتر وارد میدان فرزندآوری گردد، به‌طور طبیعی، دارای فرزندان بیشتری خواهد بود و از فرصت فرزندآوری خویش استفاده بیشتری خواهد بُرد. این مطلب خصوصاً در مورد بانوان که در فرزندآوری با محدودیت سنی بیشتری مواجه هستند، قابل توجه است.

۴-۲-۵. درخواست برترین تقدیرها

یکی دیگر از فرازهای غیرمستقیم در مسئله مزبور، فراز ۲۳ از دعای سیزدهم است که در آن امام علیه‌السلام چنین به درگاه الهی عرض می‌کند:

و تَوَلَّيْتُ بِنُحْجِ طَلِبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ بَيْلِ سُؤْلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَسْبِيرِكَ لِي
الْعَسِيرِ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ (همان: ۹۸)، و پیش از آن که از اینجا برخیزم، در
کامیابی و حاجت‌روایی و رسیدن به خواسته‌ام، مرا سرپرستی و یاری کن؛ به آسان کردن
دشواریها و مقدر نمودن خیر و نیکی برای من، در همه کارها.

شاهد مثال در این فراز در جمله پایانی، آن است که عرضه می‌دارد در تمامی کارها برایم خیر و نیکی، رقم زن. بی‌شک یکی از مهم‌ترین کارهای زندگی مشترک انسان، فرزندآوری اوست که رویکرد اسلامی طبق صحیفه، فرزندآوری فراوان است. بنابراین، این نوع رفتار و سبک زندگی خیر و نیکی برای انسان مسلمان است.

۴-۲-۶. درخواست نعمت‌های بالاتر و بهتر از خداوند

انسان ممکن است از دیدن نعمت‌های گوناگون در زندگی دیگران دچار حسد شود. بی‌شک، یکی از این نعمت‌ها فرزندان فراوان هستند؛ چراکه، قرآن اعطای آن را نتیجه مطلوب برای استغفار مؤمنان قرار داده است (ر.ک: نوح: ۱۰-۱۲). یکی از راه‌های درمان این حالت، بدان است که انسان نعمت‌هایی بالاتر و بهتر را از خداوند صاحب نعمت‌ها درخواست کند. امام سجاد علیه‌السلام در بیانی عام عرضه می‌دارد:

حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ
رَحَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۶۲)؛ تا به هیچ
بخشش تو، بر هیچ‌یک از بندگانت حسد نبرم و چون بنگرم که یکی از بندگانت را، در کار دین

یا دنیا، نعمت تندرستی و پرهیزگاری و توان‌گری و آسودگی داده‌ای، من نیز به یاریت، از تو برای خود برتر از آن را آرزو کنم.
 در فراز دوم از دعای چهل و هشتم آمده است:

مَهْمَا فَسَمَتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَنَصِيبِي مِنْهُ (همان: ۳۷۴)؛ از تو می‌خواهم که هرگاه میان بندگان مؤمنان چیزی از نیکی و تندرستی و برکت و هدایت و فرمان‌برداری را قسمت کنی، یا خیری به آنان ببخشی و با آن به سوی خود راهشان نمایی یا نزد خود مقامشان را بیفزایی یا از خوبی‌های دنیا و آخرت چیزی به آنان پیشکش کنی، بر نصیب و بهره من از این بخشش‌ها بیفزایی.

بنابراین، فرد مؤمن با تاسی به امام سجاد علیه‌السلام با دیدن فرزندان فراوان دیگران که مایه برکت (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲: ۳۷۴) و قرب الی الله (ر.ک: سبأ: ۳۷ و تفاسیر ذیل آن) از خداوند امید عطا می‌فرزندان بیشتر دارد.

۷-۲-۴. درخواست فراوان شدن مرزبانان کشور اسلامی

در یک جامعه، اصناف مختلفی وجود دارند که هر یک وظیفه‌ای را به عهده دارند. امام سجاد علیه‌السلام در فراز دوم دعای بیست و هفتم برای فراوان شدن شمار مرزبانان بلاد اسلامی دعا کرده، عرضه می‌دارد: «كَثُرَ عِدَّتَهُمْ» (علی بن الحسین، ۱۳۹۸: ۱۸۶)؛ بر شمار مرزبانان بیفزا. اما این مطلب چه ارتباطی با تکثیر نسل مسلمانان دارد؟ پاسخ آن است که برای افزایش تعداد هر صنف از اصناف مختلف جامعه، باید جمعیت جامعه افزایش یابد تا بتوان از میان آن، اصناف مختلف افزایش تعداد داشته باشند. مثلاً اگر به عالمان دینی بیشتر، معلمان بیشتر، پزشکان بیشتر، مهندسان بیشتر و... نیاز مبرم داشته باشیم، چاره‌ای نداریم که جمعیت جامعه را افزایش دهیم؛ مگر آن‌که به قدر کافی، ظرفیت جمعیتی موجود برای پوشش همه این گروه‌ها داشته باشیم یا بخواهیم نیروی مورد نیاز را با مهاجرت تأمین کنیم که حرفی دیگر است. به خاطر همه این مطالب است که این عنوان را ذیل فرازهای غیرمستقیم بر مطلوبیت افزایش جمعیت مسلمانان آورده‌ایم.

نتیجه گیری

نتایج ذیل از این پژوهش به دست آمدند. به استناد صحیفه سجادیه...

۱. سزاوار است که انسان مؤمن از خداوند صاحب نعمت و کرم، فرزندان فراوان طلب کند؛ چون در این صورت گویی انسان در وجود فرزندان خویش تکثیر شده است؛
۲. امام سجاد علیه السلام، خداوند را بر اعطای فرزندان فراوان ستایش نموده است. بنابراین، اعطای فرزندان فراوان به انسان رفتار زیبای اختیاری خداوند است و لذا تکویناً و تشریحاً مطلوب و مورد اراده الهی است؛
۳. مؤمن وسیع ترین روزی خود را از خداوند برای ایام پیری خود می خواهد؛ چون در این ایام به طور طبیعی، فرزندان و نوه های فراوانی در کنار او زندگی می کنند و بنابراین نیازهای او بیش از دیگر زمان هاست؛
۴. انسان مؤمن باید از خداوند درخواست کند که دشمنان اسلام را از نیروی فرزندآوری فراوان محروم سازد؛ چون این لازمه دشمنی و جنگ جمعیتی با آنان است؛
۵. در بخش دلالت های غیرمستقیم بر مسئله کمیت جمعیت، به عناوینی در سه دسته شناختی، گرایش و رفتاری پرداخته ایم که همگی به طور عام یا بالملازمه مطلوبیت فرزندآوری فراوان را می رسانند؛
۶. نتیجه آن است که از دعاهای امام سجاد علیه السلام، فرزندآوری فراوان در حد توان، مطلوب اسلام است. این نتیجه از جمع بین دلالت های مختلف و سیره اهل بیت علیهم السلام در فرزندآوری به دست آمده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی صدوق. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ج دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ازهری، محمد بن أحمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). چ چهارم. تهران: دنیای دانش.
- پورعیسی چافجیری، حمید. (۱۳۹۵). جمعیت طوبی. قم: میراث ماندگار.
- تمنا، سعید. (۱۳۹۱). مبانی جمعیت شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. محقق: سید مهدی رجائی. ج دوم. قم: دار کتاب اسلامی.
- تهانوی، محمد علی بن علی. (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (ط - الحدیثه). محقق/مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل. ج سوم. بیروت: دار کتاب العربی.
- سرویس حوزة و روحانیت، آموزش و پژوهش. ۱۳ تیر ۱۴۰۲. «گزارش: مشروح نشست علمی دلالت‌های فرهنگی سیاسی صحیفه سجادیه». خبرگزاری رسا. <https://rasanews.ir/fa/news/562201>.
- سقایی بی‌ریا، محمدجواد. (۱۴۰۱). دیدگاه جمعیتی اسلام و اهداف آن در پرتو آیات قرآن و روایات. حمید آریان. مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی‌تا). همع الهوامع فی شرح جمع الجامع فی النحو. محقق: أحمد عزو عنایه. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی جمعیت و تنظیم خانواده. تهران: دیدار.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ج دوم. لبنان - بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: محمدجواد بلاغی. ج سوم. تهران: ناصر خسرو.
- صحیفه سجادیه. (۱۳۹۸) ترجمه محمد مهدی رضایی. ج دوم. قم: نشر جمال.
- فیض الاسلام، سید علیتقی. (۱۳۷۸). ترجمه و شرح صحیفه سجادیه. ج سوم. تهران: فقیه (سید علیتقی فیض الاسلام).
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن أحمد. (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین. ایران: قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کتابی، احمد. (۱۳۷۷). درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی.
- کلاتری، صمد. (بی‌تا). مبانی جمعیت‌شناسی. اصفهان: مانی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث.
- مدنی، سید علیخان بن أحمد. (بی‌تا). الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیه. محقق: سید ابوالفضل سجادی. قم - ایران: ذوی القربی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج دهم. ایران - تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- موحیدیان، فاطمه. (۱۳۹۵). افزایش جمعیت از دیدگاه ادیان توحیدی. محمد مهدی خواججه‌پور. دانشگاه علوم و معارف قرآن‌میبید.